

# ریسک سیستمی، حکروایی مطلوب شهری و چالش انباشت مازاد در اقتصاد متروپلیتن [نقدی بر بنیادگرایی بازار آزاد]

عبسی پیری

دکتری تخصصی برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز

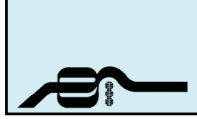
## ۱- چکیده

این مقاله از چشم‌انداز نظریه متأخر ریسک سیستمی اندیشمندان بزرگ اقتصاد سیاسی همانند دیوید هاروی، جیوانی اریگی، جان بلامی فاستر، جوزف استیگلیتز به مقوله اقتصاد متروپلیتن می‌نگرد که در واقع بستر بالقوه بحران‌های ادواری است. ریسک سیستمی مسبوق به نظریه بحران مازاد انباشتی است که در اقتصاد سیاسی مارکسیستی بحث شده است. اما تفاوت عمده ریسک سیستمی با نظریه مارکسیستی در بستر تحقق آن است. بستر تحقق ریسک سیستمی سرمایه‌داری مالی و اعتباری متأخر است اما بستر نظریه پردازی مازاد انباشت، سرمایه‌داری صنعتی و تولید انبوه فوردیستی بود. گفتن غالب سیاست شهری موازی با انباشت مازاد، تمرکزگرایی، دولت رفاه و شهرداری‌گرایی بود در حالی که در ریسک سیستمی بیشتر بر نوعی انتظام فضایی و اجتماعی - اقتصادی پسافوردیستی تأکید می‌شود که بیشتر بر انسجام پراکنده ناشی از اتفاق اجتماعات محلی و سیاست شهری متکثر و حکمروایی مطلوب متکی است. واژه‌های کلیدی: ریسک سیستمی، متروپلیتن، مالی‌گرایی سرمایه، حباب، حکمروایی مطلوب

## ۲- مقدمه

متروپلیتن یا مادر شهر محدوده فضایی گسترده‌ای است که طیف عظیمی از جمعیت، فعالیت، اشتغال و کارکردهای متنوع اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی را در خود گرد آورده است. به طوری که سهم زیادی از جمعیت شهرنشین هر کشوری مخصوصاً در جهان سوم در محدوده‌های فضایی یک یا چند متروپلیتن مشخص اسکان یافته‌اند. تمرکزگرایی فضایی در نواحی متروپلیتن ناشی از امر بنیادین گردش سرمایه و علیت تراکمی است. در سال ۱۹۹۰ تولید ناخالص داخلی شهر توکیو ۸۵۴/۴ میلیارد دلار بود که با تولید ناخالص داخلی بریتانیا قابل مقایسه است. شهر بانکوک با ۱۰ درصد جمعیت تايلند ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را در خود گرد آورده است (Bonnet, 1996 نقل شده در کوهی، ۱۳۸۳: ۱۲۶). یکی از پایه‌های اساسی بحران‌های مالی متأخر همانا ریشه در اقتصاد متروپلیتن و بخش مسکن دارد. در نظام سرمایه‌داری مسکن بیش از هر چیز، شکل کالا به

خود می‌گیرد و تولید آن نه برای رفع نیازهای فردی و اجتماعی مردم که به منظور ایجاد ارزش اضافی و سودآوری انجام می‌شود (هاروی، ۱۳۹۱: ۸). اما مسکن که در واقع سازنده بخش اعظم جریان سرمایه در محدوده جغرافیایی متروپلیتن است ماهیتی متناقضی دارد که برخلاف کالاهای دیگر قیمت آن فقط مسبوق به عرضه و تقاضا نیست. دلیل عمده آن انواع رانت فضایی است که در چارچوب شهر سرمایه‌داری و نظام اقتصادی - اجتماعی لسه فر و بازار آزاد وجود دارد. در نظام شهری سرمایه‌داری، زمین و ساختمان و به طور کلی فضای مؤثر شهری محل نابرابری اقتصادی و متضمن امتیازات ذاتی‌ای است که در اقتصاد سیاسی شهری به آن رانت فضایی می‌گویند و معلول ارزش مبادلاتی فضا است (پیری، ۱۳۹۰: ۴۱). به علت اینکه زمین و مسکن همزمان می‌توانند محل انواع رانت انحصاری، افتراقی یا دیفرانسیل و رانت مطلق (هاروی، ۱۳۷۹؛ پیری، ۱۳۹۰) باشند از این رو حباب<sup>(۱)</sup> مسکن بیش از هر جای دیگری اقتصاد متروپلیتن را تهدید می‌کند. از یک سو به دلیل اینکه مسکن کالایی است که تداوم زندگی بدون آن امکان‌پذیر نیست و بحران بوجود آمده در آن می‌تواند آشوب‌های خیابانی فراوانی را بوجود آورد (چنان که خلق نظام مالی مدرن رهنی در ایالات متحده به دهه ۱۹۳۰ بر می‌گردد یعنی زمانی که یک سوم بیکاری ناشی از رکود در داد و ستدهای ساخت و ساز بود) و از سوی دیگر و مسبوق به همین ویژگی، با راکد شدن سرمایه‌های پولی در بخش مسکن اقتصاد متروپلیتن، امکان انتقال سریع به سایر بخش‌های تولیدی یا مالی وجود ندارد. همچنین بخش مسکن وابستگی شدیدی به وام‌های رهنی دارد که پشتیبان آن نظام بانکی است. چنانچه جان بلامی فاستر در مقاله سرمایه‌داری مالی اذعان می‌کند که حباب بخش مسکن همچون مدخلی برای رکود و مبنایی برای مالی‌گرایی، نقش بسیار پر اهمیت و ارتباطی چنان نزدیک با رفاه پایه خانوارهای آمریکایی دارد که ضعف کنونی در بازار مسکن می‌تواند افت شدید اقتصاد و بی‌نظمی گسترده مالی، هر دو را قریب الوقوع سازد. افزایش بیشتر نرخ‌های بهره ظرفیتی برای ایجاد دور باطلی رکود یا حتی کاهش ارزش مسکن و رشد سریع نسبت بدهی مصرف‌کنندگان ایجاد می‌کند که موجی از ورشکستگی پدید می‌آورد. از هنگام سقوط وام‌های رهنی کم اعتبار در ژوئیه ۲۰۰۷، هراس و آشفتگی



جغرافیای سرزمینی اقتصاد ملی را می‌تواند با بحران‌های انباشت مازاد سرمایه ملی روبرو سازد و ناتوانی و یا ضرورت سرعت در واکنش به آنها حتی می‌تواند اقتصاد ملی را از درون به تحریف تدریجی دچار کند. ریسک سیستمی ترجمان تناقض‌های بنیادی انباشت سرمایه است. هاروی در مقدمه کتاب رمز و راز سرمایه می‌نویسد که این کتاب درباره‌ی جریان سرمایه است. سرمایه خونی است که در کالبد تمامی جوامعی که سرمایه‌داری می‌خوانیم جریان دارد؛ گاهی مثل یک قطره و گاه همچون سیلاب. وقتی گردش سرمایه مختل می‌شود مانند اختلال در گردش خون در بدن انسان، کارکرد کالبد آدمی و نیز کالبد جامعه سرمایه‌داری را مختل می‌کند. صندوق بین‌المللی پول در مقاله‌ای رسمی مطالعه ریسک سیستمی را در مرحله‌ی آغازین دانست (Schneider, 2010). گرایش به انباشت مازاد معلول عوامل زیر است (هاروی، ۱۳۸۷: ۳۰)

- ۱- تولید مازاد کالا- فراوانی کالا در بازار
  - ۲- نرخ کاهشی سود (که می‌باید به زبان قیمت، نرخ کاهشی سود به زبان ارزش را که سازه‌ای نظری است از هم متمایز کرد)
  - ۳- سرمایه‌ی مازاد که می‌تواند هم به شکل ظرفیت تولیدی بلا استفاده یا سرمایه پولی فاقد فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودآور تظاهر کند.
  - ۴- مازاد کار و یا نرخ صعودی بهره‌کشی از نیروی کار
- ریسک سیستمی ترجمان تناقض‌های بنیادی انباشت سرمایه است (هاروی، ۱۳۹۰: ۸۴) اما در جای دیگری اریگی بیان می‌دارد که طی سی سال گذشته تغییری در سرشت بحران رخ داده است. تا اوایل دهه ۱۹۸۰، بحران نوعاً ناشی از نرخ کاهنده سود به سبب شرایطی بود که طی آن کار برای تسهیلات بیشتری برای حمایت از خودش در مقایسه با رکودهای پیشین داشت- هم در اواخر قرن نوزدهم و هم در سرتاسر دهه ۱۹۷۰. (هاروی، ۱۳۸۹: ۵۵)

#### ۴- گردش متعادل سرمایه؛ به مثابه کالایی عمومی

سرمایه شامل اجناس قابل تبدیل به پول و پول قابل تبدیل به جنسی است که خاصیت مولد داشته باشد و مجموع ارزش‌های مصرف‌نشده‌ای است که به منظور ایجاد ارزش همواره بیشتر، در چرخه تولید و مبادله به جریان می‌افتد (سلتیر و تونکس، ۱۳۸۶: ۴۳) به همین دلیل مارکس پا می‌فشارد که سرمایه چیزی نیست مگر فرآیند گردش. سرمایه اساساً درباره‌ی به گردش گذاردن پول برای ساختن پول بیشتر است.

سرمایه عنوانی برای بیان ارزش است که آن را به پیامد یا نتایج کار اجتماعی پیوند می‌دهد. هر چند تحقیقات بسیاری در ادوار موسوم به «دهه‌های رشد ملی»<sup>(۳)</sup> با تجمعات گسترده شهری و شکل‌گیری مادرشهرهای ملی و منطقه‌ای به مثابه نمادهای رشد اقتصادی (Alonso, 1975; Alonso, 1971, Henderson, 2000) و پیشرفت برخوردار کردند. توضیح این امر آن است که به دلیل اقتصاد مقیاس، صرفه جویی‌های تجمع و بازگشت سریع سود سرمایه در مناطق متروپلیتن، گردش سرمایه در این مناطق تشدید می‌شود.

این بحث در نظریه قطب رشد<sup>(۴)</sup> به خوبی بیان شده است. چنانچه

مالی مهار نشدنی نه تنها در میان کشورها که در خود بازارهای مالی گسترش یافته است (فاستر، ۱۳۹۰: ۱۳۶). بنابراین بحران‌های مالی متأخر از دو سو با اقتصاد متروپلیتن در ارتباط است:

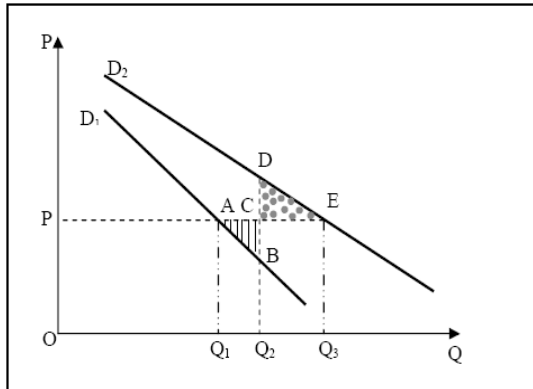
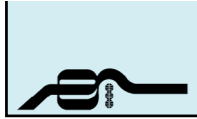
- ۱- تحریک سرمایه‌گذاری و تنوع بخشی خارق‌العاده در اقتصاد واقعی متروپلیتن و نهایتاً تشکیل حباب از طریق سرمایه‌گذاری مالی
- ۲- همچنین تحمل خسارت‌های سقوط ارزش سهام و ترکیدن حباب بازار مستغلات

بسیاری از اقتصاددانان سیاسی معتقدند که بحران مالی اخیر (۲۰۰۸) که همزمان با سقوط بازار سهام وال استریت و ترکیدن حباب مسکن کلانشهرهای آمریکا رشد کرد نوعی ریسک سیستمی است که مسبوق به نظریه مارکسیستی بحران اضافه انباشت یا مازاد ظرفیت است. کارل مارکس در جلد اول کتاب سرمایه معتقد است که در نظام سرمایه‌داری آنچه مال همه است بدهی‌های عمومی است (فرگوزلو، ۱۳۸۱) بنابراین با توجه به این واقعیت که مصرف ایالات متحده منبع اصلی تقاضا برای اقتصاد جهانی است (فاستر، ۱۳۹۰: ۱۳۶) بنابراین بحران بدهی‌ها در این کشور گریبان ما را نیز خواهد گرفت. همچنین ریسک سیستمی می‌تواند اقتصاد متروپلیتن را به مرحله تکینگی<sup>(۵)</sup> (رنانی، ۱۳۹۱) وارد نماید که همانند سیاه چاله‌های فضایی همه اجرام و پدیده‌های اطراف خود را بلعیده و ناتوان سازد. چنان که شهر تهران به این مرحله وارد شده است. نظام سیاسی ایران با درک واقعیت‌های فوق بر حمایت داخلی از سرمایه ملی و کالای ایرانی تأکید کرده است اما باید توجه داشت که حمایت از سرمایه ایرانی باید به دور از هیجان‌ات ملی‌گرایی و شدیداً عاطفی، از رهگذر عقلانیت مستتر در روابط اجتماعی تولید و نیز چشم‌انداز سود مورد نظر سرمایه‌دار نگرسته شود. قوانین ذاتی «تولید از طریق رقابت» همچون قوانین قهری برونی بر فرد فرد سرمایه‌داران اعمال قدرت می‌کند با توجه به اینکه سرمایه‌داران منفرد برآیندهایی ناهماهنگ با منافع طبقاتی شان تولید می‌کنند (هاروی، ۱۳۸۷: ۲۸)

بنابراین در دوره‌ای که بیشتر فعالیت‌های اقتصادی در بستر سرمایه‌داری مالی و اعتباری صورت می‌گیرد می‌توان اذعان داشت که بحران‌های ناشی از انباشت پول، کالا و خدمات تعادل عرضه و تقاضا را بر هم می‌زند و این بحران‌ها به شدت می‌تواند انتظام اجتماعی را تهدید کند. حکمروایی مطلوب به منزله حضور مؤثر تمام کنشگران شهری در محدوده فضایی متروپلیتن است که سیاست و مدیریت شهری را پیش می‌برد. گفتمان غالب سیاست شهری موازی با انباشت مازاد، تمرکزگرایی، دولت رفاه و شهرداری‌گرایی بود در حالی که در ریسک سیستمی بیشتر بر نوعی انتظام فضایی و اجتماعی - اقتصادی پساوردیستی تأکید می‌شود که بیشتر بر انسجام پراکنده ناشی از اتفاق اجتماعات محلی و سیاست شهری متکثر و حکمروایی مطلوب متکی است.

#### ۳- ریسک سیستمی

نظام اقتصادی مبتنی بر تعادل عرضه و تقاضا از رهگذر قیمت به صورت درونی محمل بحران‌های ذاتی است. قوانین قهری رقابت و چشم‌انداز سود، بیشتر نوعی ریسک سیستمی (Harvey, 2012) را فراهم می‌آورد که نهایتاً

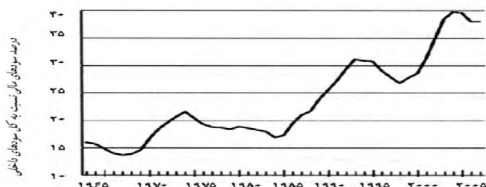


نمودار ۲- گردش سرمایه به مثابه کالایی عمومی

منبع: صمیمی، ۱۳۸۴

### ۵- متروپل، سرمایه‌داری مالی - اعتباری و ریسک سیستمی

توسعه شهری بنا به دلایلی بسیار خاص که به طولانی بودن دوره کار، زمان گردش و دوره عمر سرمایه‌گذاری در محیط ساخت و ساز مربوط می‌شود با جذب و انباشت گزاف سرمایه رابطه‌ای بسیار ویژه دارد. توسعه شهری همچنین دارای دقتی جغرافیایی است به گونه‌ای که تولید مکان و انحصارهای مکانی به بخشی جدایی ناپذیر از ساز و کار انباشت تبدیل می‌شوند- نه تنها به واسطه اشکال متغیر جریان کالا در مکان، بلکه همچنین به واسطه خود طبیعت فضاها و مکان‌های خلق شده و تولید شده که چنین حرکتی در رابطه با آن صورت می‌گیرد. وقتی سرمایه مالی نسبت به سرمایه سرمایه‌گذاری شده در تولید، موقعیت مسلط را در اقتصاد جهانی پیدا کرد (سیلور، اریگی، ۱۳۹۰: ۳۱) در واقع به مرحله سرمایه‌داری مالی منتقل شده‌ایم. آنچه را که پل سوییزی درست بیش از یک دهه قبل مالی گرای فرایند انباشت سرمایه امید نیروی اصلی برانگیزنده رشد اقتصادی از دهه ۱۹۷۰ بوده است (Sweezy, 1997) نقل شده در فاستر، ۱۳۷۰: ۱۳۷). در واقع رشد سریع سودهای بخش مالی نسبت به مجموع سودها از دهه ۱۹۷۰ نشان دهنده تحولی است که در سیستم رخ داده است (نمودار ۳).



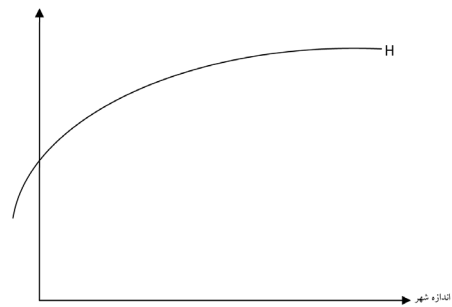
ماخذ: Table B-91. Corporate Profits by Industry, 1959-2007. Economic Report of the President, 2008.

### نمودار ۳: درصد سودهای مالی نسبت به کل سود

#### (میانگین متحرک پنج ساله)

برودل در سه گانه تمدن و سرمایه‌داری زایش سرمایه‌داری مالی را منحصر به سال‌های آغازین قرن بیست و یکم نمی‌داند بلکه دوره‌های متنوعی از بروز سرمایه‌داری مالی (به جای صنعتی و تولیدی یا بازرگانی) و به تبع

هیرشمن بر ماهیت تمرکز طلب توسعه اقتصادی در فضا اعتقاد داشت (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۱۰) و موسلی<sup>(۹)</sup> با مفهوم ساز و کار علیت تراکمی بر تشدید تمرکزگرایی شهری به صورت چرخه‌ای تأکید می‌کند. تأکید ایشان بر حد نهایی کارایی [اقتصادی] شهری با توسل بر اندازه بزرگ شهری و مقیاس فضایی متروپلیتن است.



### نمودار ۱- کارایی اقتصادی تابعی از اندازه شهر

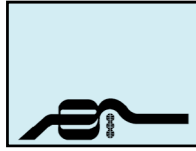
منبع: (زبردست، ۱۳۸۳)

اما با آشکار شدن محدودیت‌های عقلانیت اقتصادی (Sen, 1999; Sen, 2009; Jacobs, 1961; Marx, 1976; Harvey, 1973; Habermas, 1984) تهدید حیات اجتماعی (Marx, 1976; Harvey, 1973; Habermas, 1984) و بوم‌شناختی (Land, 1976; Musters et al, 1998; Harding, 2006) با متروپلیتن بیشتر از آنکه به عنوان نماد توسعه اقتصادی و پیشرفت برخورد شود بلکه از منظر افزایش نابرابری‌های منطقه‌ای (Daneshpoor, 2006) و گردش نامتعادل سرمایه ملی نگرسته شد. این نابرابری واکنش‌های ایدئولوژیک و سیاسی نیز در بین رهبران سیاسی جهان نیز برانگیخته است.

چنانکه گاندی در هند، لنین در روسیه و مائو در چین به طور آشکاری بر افزایش جمعیت و سرمایه در کلانشهرها تاخته‌اند. در نظام اجتماعی - اقتصادی سرمایه‌داری، سرمایه، عبارت از هرگونه ذخیره ارزشی است که کنش را تسهیل می‌کند (waldstorm, 2008: 1498) و سرمایه چیزی است که در اختیار سرمایه‌دار قرار می‌گیرد و از این رو خصوصی می‌شود اما گردش سرمایه در بین مناطق جغرافیایی کالایی عمومی است که در صورت توزیع نامتناسب آن علاوه بر بی عدالتی اجتماعی - اقتصادی باعث تحمیل بی عدالتی فضایی و اکولوژیکی نیز می‌شود که در نمودار ۲ آمده است (نمودار ۲). اگر فرض کنیم که کالای عمومی Q مورد نظر دو منطقه است اما گردش نامتعادل سرمایه در بین دو منطقه بیشتر باشد.

تابع تقاضای منطقه اول با D1 و تابع تقاضای منطقه دو را با D2 نشان می‌دهیم. اگر دولت به اندازه OP مخارج سرانه بر روی این کالا داشته باشد. در این قیمت تقاضای منطقه اول برابر با Q1 و تقاضای منطقه دوم برابر با Q2 است.

با توجه به اینکه دولت نمی‌تواند برآورد مناسبی از تقاضا داشته باشد بنابراین در هر دو منطقه به اندازه Q3 تولید می‌کند. در این حالت منطقه اول به اندازه مثلث ABC سود رفاهی و منطقه دوم به اندازه مثلث CDE زیان رفاهی را متحمل خواهد شد.



است. تا قبل از جنگ، مداخله دولت‌ها در اقتصاد محدود بود هر چند که همین مداخله محدود نیز مورد سوء ظن اقتصاددانان قرار داشت اما با بحران بزرگ اوایل دهه ۱۹۳۰ که معلول سیاست پولی انقباضی دولت آمریکا و حبس پول توسط بانک مرکزی آمریکا بود مبنای تجربی نظریه جان مینارد کینز مبنی بر دخالت دولت در بخش‌های مختلف اقتصادی فراهم شد. با ظهور بحران ۲۰۰۸ نیز نوکینزگراهایی همانند استیگلیتز و پل کروگمن بر نظریه جان مینارد کینز مبنی بر دخالت دولت در اقتصاد تأکید کرده‌اند. زمینه هستی‌شناختی نظریه جان مینارد کینز در کتاب «نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول» (۱۹۳۶) پس از پیچ و خم‌های نیمه نخست سده بیستم فراهم شد. جایی که به قول اریک هابسباوم، عصر فاجعه - دوران دو جنگ جهانی و بحران بزرگ (۱۹۳۰) - جای خود را به عصر زرین داد (کالینیکوس، ۱۳۸۵: ۳۹۹). فون هایک در کتاب «قیمت‌ها و تولید» (۱۹۳۱)، بحران‌ها را پیامد سرمایه‌گذاری بیش از حد تلقی می‌کند که از راه ایجاد پول از طریق نظام اعتباری امکان‌پذیر می‌گردد. که به نظر اسکیدلسکی نتیجه‌گیری کینز نیز این است که نظام سرمایه‌داری مبتنی بر پول اعتباری به شدت بی‌ثبات است. (همان منبع: ۴۱۵). آنچه در شرایط فعلی قطعی می‌نماید تداوم بازتولید بحران‌های مالی در نظام اعتباری در بستر ریسک سیستمی در اقتصاد متروپلیتن معاصر است که نه دخالت مستقیم دولت و مدیریت شهری را به مثابه کنشگر اقتصادی تاب می‌آورد و نه ساز و کار نئولیبرالیسم و اندیشه بازار آزاد و نظم خود انگیخته به فرجامی نیک رهنمون می‌شود. دلایل متعددی از ضرورت عدم دخالت مدیریت شهری و دولت در اقتصاد متروپلیتن وجود دارد که عبارتند از:

- ۱- بروز فساد مالی، استبداد سیاسی و رشوه خواری
  - ۲- شکل‌گیری بوروکراسی و نظام دیوان سالاری گسترده
  - ۳- عدم توان دولت در شناخت درست ساز و کارهای بازار
  - ۴- ناپایداری مفرط بنیادهای معرفت‌شناختی دولت از انعکاس آینده بازار
  - ۵- تنوع و تکثر فزاینده پساوردیستی که از ۱۹۷۳ نظم اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی نوینی را بوجود آورده است.
  - ۶- کسری‌های بودجه فزاینده و ناتوانی دولت در پرداخت‌ها و تصحیح فرایندها
  - ۷- شوک‌های وحشتناک ناشی از بحران مالی و تهدید نظام بانکی
- اما همچنین بنیادگرایی بازار آزاد نیز بستر مهم ریسک سیستمی در اقتصاد سیاسی نظام شهری متروپلیتن است که همانگونه که در بالا بحث شد اساسی‌ترین نیاز تداوم زندگی شهروندان (مسکن) را در بازی نابرابر عرضه و تقاضای بازیگران شهری به داخل سیاهچاله‌های بحران مالی و اضافه‌انباشت و حباب‌های سود سرمایه‌گذاری سوق می‌دهد. بازارهای مالی متروپلیتن همانند بازار مسکن و سهام تابع سازمان‌دهی سرمایه‌گذاری در مقیاسی اجتماعی‌اند به عبارت دیگر تابع روان‌شناسی توده‌ای و غلیان‌های غیر عقلانی در عقیده دخیل در حباب‌ها و وحشت‌های بازار سهام است (کالینیکوس، ۱۳۸۵: ۴۰۶).

کینز با مخالفت با مفهوم اعلام بازار و قانون سی<sup>(۸)</sup> استدلال کرد که اقتصادهای بازار ذاتاً بی‌ثبات‌اند و برای مدت‌های مدیدی وضعیت نزولی مزمن خود را حفظ می‌کنند. از این‌رو در چهارچوب اصول گرای نوینی که

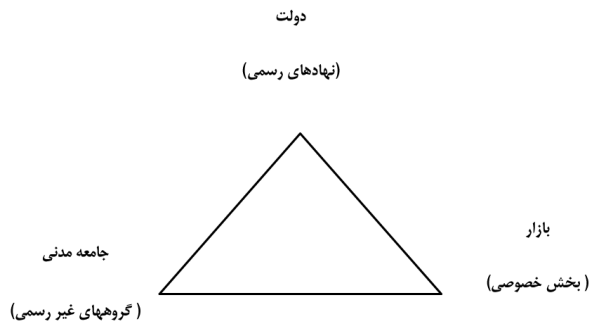
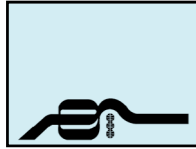
آن سقوط و بحران جغرافیای انباشت سرمایه و ظهور جغرافیای نوین و مکان‌های جدید را بیان می‌دارد. اریگی در کتاب قرن طولانی بیستم<sup>(۹)</sup> (Arrighi, 2010) می‌گوید؛ مرحله‌ای از توسعه مادی که به دنبال آن مرحله‌ای از گسترش مالی رخ می‌دهد چیزی است که قرن طولانی یا چرخه سیستمی انباشت شناسایی می‌کند. از نظر فرنان برودل مالی‌گرایی سرمایه‌داری ویژگی تکرار شونده سرمایه‌داری تاریخی از نخستین روزهایش بود. اریگی با توجه به دوره‌بندی برودل، چهار قرن طولانی یا چرخه سیستمی انباشت را اینچنین بیان می‌کند: ۱- چرخه جنوایی - ایبریایی که از قرن پانزدهم تا اوایل قرن هفدهم طول کشید. ۲- چرخه هلندی که از اواخر قرن شانزدهم تا اواخر قرن هیجدهم طول کشید. ۳- چرخه بریتانیایی که از نیمه قرن هیجدهم تا اوایل قرن بیستم طول کشید و ۴- چرخه آمریکایی از اواخر قرن نوزدهم تا امروز ادامه می‌یابد (اریگی، ۱۳۹۰: ۳۲). اقتصاد شهری در هر چهار دوره نقش کلیدی و اساسی داشته است. اما چرخه چهارم انباشت سیستمی سرمایه‌داری مالی محمل تفاوت‌هایی به شرح زیر است:

- ۱- ظهور اقتصاد گسترده و غول‌آسای متروپلیتن در انتظام سرمایه‌داری مالی.
- ۲- تفاوت عمده دیگر چرخه چهارم با دوره‌های قبلی، ظهور شرکت‌های چندملیتی و قدرت فراسرزمینی آنها در تأثیرگذاری بر دولت - ملت.
- ۳- ظهور شکل نوین فضای کنش متقابل از رهگذر فضاها سایبری و اینترنت و فاوا<sup>(۱۰)</sup>.
- ۴- شکل‌گیری جامعه مصرف‌انبوه، جامعه نمایشی و پست مدرنیستی که نظام معنا شناسی نوینی را با اتکا بر دگرگونی روابط دال و مدلول ساختارگرای پیشین بنیاد نهاده است.

۵- بحران در بحران: چرخه چهارم علاوه بر اینکه بحرانی مالی است در عین حال با بحران‌های به شدت تکرار شونده بی‌شماری عجین شده است. بحران‌های تکراری مالی (بحران اقتصادهای جنوب شرق آسیا در سال ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸، بحران مکزیک در ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵، بحران مالی روسیه در ۱۹۹۶، فروپاشی بازار سهام وال استریت در ۲۰۰۱ به دنبال حباب سهام شرکت‌های فناوری اطلاعات، سقوط مالی آرژانتین در ۲۰۰۲، بحران هژمونی آمریکا و ظهور قدرت‌های منطقه‌ای همانند چین و جنوب شرق آسیا، بحران مالی یونان از سال ۲۰۰۸، بحران بانکی قبرس از سال ۲۰۱۲)، بحران محیط زیست، بحران فرهنگی و بحران اقتدار و مشروعیت حکومت‌های هژمونیک و ... ما در این مقاله به دنبال برساختن الگوی فکری هستیم که ریسک سیستمی را در بستر سرمایه‌داری مالی به حداقل برساند. بنابراین معتقدیم که با توجه به تنوع و تکثر فزاینده فرهنگی، مدل‌های سیاسی - اقتصادی تمرکزگرا نمی‌توانند به خوبی عمل کنند و در صورت پافشاری بر آنها بحران مالی و رکود اقتصادی می‌تواند باعث گسترش بحران‌های سیاسی و فرهنگی نیز بشود. بنابراین ما مفهوم حکمروایی مطلوب را برای کاهش اثرات ریسک سیستمی و بازگشت توان سیستم و شکل‌گیری نظم متکثر به کار می‌بریم.

## ۶- حکمروایی مطلوب؛ بستر کاهش پیامدهای ریسک سیستمی در بحران مالی

مقطع زمانی جنگ جهانی دوم نقطه عطف دو نوع حاکمیت اقتصادی



نگاره ۱- هرم کنشگران حکمروایی مطلوب شهری

### ۷- نتیجه‌گیری

مزیت حکمروایی مطلوب شهری در اقتصاد سیاسی متروپلیتن، کاهش اثرات مخرب پیامدهای ناشی از بحران‌های مالی، سقوط سهام و ترکیدن حباب بازار مسکن است. کنشگران اصلی حکمروایی مطلوب شهری در جریان فرایندهای متنوع اقتصادی و اجتماعی زمینه مشارکت مؤثر را به دست آورده و از این‌رو با تسهیم دانش و اطلاعات از تشکیل فرم‌های فضایی که محمل جنون سوداگری و حباب‌های مسکن و سهام است جلوگیری می‌کنند. بخش خصوصی، گروه‌های اجتماعات محلی و جامعه مدنی و نیز خود دولت سه عنصر اصلی سیاست و تصمیم‌گیری شهری هستند که کنش ارتباطی (Habermas, 1987) بین آنها می‌تواند کژکاری‌های بازار ناشی از ریسک سیستمی و انباشت مازاد را از رهگذر تعامل اطلاعاتی جبران نماید. در اینجا قبل از اعلام بازار و قانون سی خود کنشگران هستند که فرایندها را ابراز می‌دارند و در چهارچوب قانونی دموکراتیک هم نظم سیال بازار متروپلیتن حفظ می‌شود و هم از دخالت مستقیم دولت و مدیریت شهری در بازار و از این‌رو پیامدهای ناگوار آن کاسته می‌شود. این فرایند برآورنده نظم متکثر و انسجام ناشی از اجتماعات محلی است.

### - منابع و مأخذ

- ۱- اسلیتر دن، تونکس فرن (۱۳۸۶)، جامعه بازار؛ بازار و نظریه اجتماعی مدرن، ترجمه حسین قاضیان، چاپ اول، نشر نی، تهران.
- ۲- بللو والدن (۱۳۹۰)، اینجا نیویورک است؛ اما وال استریت پیدا نیست، ترجمه پرویز صداقت در مجموعه از سقوط مالی تا رکود اقتصادی؛ ریشه‌های بحران بزرگ مالی، نشر پژوه.
- ۳- بورلی سیلور، جوانی ارگی (۱۳۹۰)، پایان قرن طولانی بیستم، ترجمه پرویز صداقت در مجموعه از سقوط مالی تا رکود اقتصادی؛ ریشه‌های بحران بزرگ مالی، نشر پژوه.
- ۴- پیری عیسی (۱۳۹۰)، تبیین علمی حکمروایی مطلوب و کارایی ارتباطی شهر، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز.
- ۵- فاستر جان بلامی (۱۳۹۰)، مالی‌گرایی سرمایه و بحران، ترجمه پرویز صداقت در مجموعه از سقوط مالی تا رکود اقتصادی؛ ریشه‌های بحران بزرگ مالی، نشر پژوه.
- ۶- زبردست اسفندیار (۱۳۸۳)، اندازه شهر، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، وزارت مسکن و شهرسازی.

کینز پیشنهاد می‌دهد اتخاذ سیاست‌های مالی (مالیات و مصارف عمومی) و سیاست‌های پولی (عرضه و قیمت پول) برای حفظ ثبات و کارایی بازار ضروری بود. کانون نظرات کینز گسترش کارکردها و وظایف اقتصادی حکومت به منظور تضمین اشتغال کامل (اسلیتر و تونکس، ۱۳۸۶: ۲۰۴-۲۰۵) برای حفظ سطح تقاضا بود اما رهیافت رقیب اقتصاد کینزی نظریه اصالت پول مربوط به میلتون فریدمان از مکتب شیکاگو است. فریدمان برخلاف کینز نوسانات بازار را قبل از آنکه منوط به سطح تقاضا بداند مسبوق به تغییرات عرضه پول می‌داند و همچنین او نقش دولت را در برقراری اشتغال کامل در چهارچوب اقتصاد بازار مورد تردید قرار داد (همان منبع: ۲۰۷).

در گستره جغرافیایی متروپلیتن که هم نقش پیشناز تعامل با اقتصاد جهانی شده امروز را بر عهده دارد و هم متأثر از نوسانات جریان‌های گردش آزاد سرمایه و بحران‌های ناشی از تشکیل دوره‌های حباب‌ها و بحران‌ها است مدل دیگری از کنشگری دولت در اقتصاد متروپلیتن پیشنهاد می‌شود که همانا حکمروایی مطلوب شهری است.

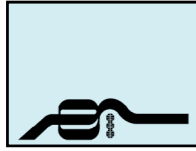
بین حکومت و حکمروایی تمایز وجود دارد و عده‌ای از محققین بر این باورند که این دو مفهوم ضرورتاً غیر قابل جمع نبوده و در مقابل همدیگر قرار دارند (Bulkeley, 2005: 877).

حکومت شامل راهبری، هدایت، تنظیم، تأثیرگذاری و تعیین کردن است که اغلب به همراه قدرت و اجرای امور مربوط به دولت (Rakodi, 2003: 524) و ایده سلسله مراتبی و عقلانی راهبری است (Buzer and Herzele, 2010: 2) که به ساختار نهادی و مکان تصمیم‌گیری اقتدارگرایانه مربوط می‌شود در حالی که جوهره حکمروایی روابط بین و درون نیروهای حکومتی و غیر حکومتی (Stoker, 1998: 38) به نوعی صورت بندی و مباشرت قوانین رسمی و غیر رسمی مربوط می‌شود که حوزه عمومی را تنظیم کرده و صحنه‌ای است که دولت به منظور اتخاذ تصمیمات با کنشگران اقتصادی و اجتماعی تعامل دارد (Heyden et al, 2004: 16) و شامل ارزش‌ها، نهادها و فرایندهایی است که از طریق مردم و سازمان‌ها در جهت اهداف عمومی، تصمیم‌گیری، ایجاد اقتدار و مشروعیت اقدام می‌کند (Bhuiyan, 2010: 127).

بنابراین هرم حکمروایی شهری حامل سه عنصر فوق خواهد بود که فقط یک ضلع آن مربوط به دخالت دولت است و اضلاع دیگر آن متحمل حضور جامعه مدنی و بازار است (نگاره ۱).

بازیگران اصلی اقتصاد متروپلیتن هر کدام با کنشگری مؤثر و مسبوق به چهارچوب‌های قانونی دموکراتیک بر جریان‌های فرایند بازارهای مالی و غیر مالی تسلط دارند بنابراین اشتراک مساعی آنها می‌تواند مانع از شکل‌گیری دوره‌های بیکاری طولانی مدت و تسهیل جریان اطلاعات به منظور شناخت بهتر فرایندها شود. فرایندها و فرم‌ها بحثی طولانی در جغرافیا هستند که فرایندهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی می‌توانند فرم‌های فضایی مشخصی را تولید کنند. بنابراین اگر از ظرفیت تعامل و راهبری کنشگران اصلی متروپلیتن که هر کدام بخشی از اطلاعات بازار را در اختیار دارند استفاده شود فرم فضایی نهایی که در جغرافیای متروپلیتن شکل می‌گیرد مسبوق به نظمی متکثر، انسجام پراکنده ناشی از اتفاق اجتماعات محلی و ... است.





- 28- Henderson V., (2000), How Urban Concentration Affects Economic Growth, World Bank Working Paper, World Bank, Washington D.C.
- 29- Hyden G., Court J. and Mease K. (2004), Making sense of governance: empirical evidence from sixteen developing countries, Boulder: Lynne Rienner
- 30- Musters C.G.M., De Graaf H.J., Ter Keurs W.J.(1998), Defining socio- environmental systems for sustainable development, Ecological economic, No.26
- 31- Nakamura, R., (1985), Agglomeration Economics in Urban Manufacturing Industries: A case of Japanese Cities, Journal of Urban Economics, Vol. 17, No.1, pp: 108- 124
- 32- Quigly, J., (1998), Urban Diversity and Economic Growth, Journal of Economic Perspectives, Vol.12, No.2,pp: 127-138
- 33- Rakodi P.(2003), Politics and performance: the implications of emerging governance arrangements for urban management approaches and information systems, Habitat international, No.27,pp:523-547
- 34- Sen A., (1999), Development as freedom, Oxford university press
- 35- Harvey, D., (1973), Social Justice and City, Oxford Press.
- 36- Habrmas,J., (1984), On Reconstruction of Historical Materialism, tr. By Shapiro, Heinemann, London
- 37- Jacobs, J., (1961), The Death and Life of Great American Cities, New york
- 38- Walstrom C. Svendsen G. Lind H. (2008), On the capitalization and cultivation of social capital: towards a neo- capital general science? socio- economics, No.37,pp: 1495-1514
- ۷- فکوهی، ناصر(۱۳۸۳)، انسان شناسی شهری، نشر نی، چاپ اول.
- ۸- صرافنی مظفر(۱۳۷۹)، مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ۹- کالینیکوس آکس(۱۳۸۵)، درآمدی تاریخی بر نظریه‌ی اجتماعی، ترجمه اکبر معصوم بیگی، نشر آگه.
- ۱۰- فارمر راجر(۱۳۹۱)، اقتصاد چگونه کار می‌کند، ترجمه محمدرضا فرهادی پور، انتشارات دنیای اقتصاد.
- ۱۱- فراگوزلو محمد(۱۳۸۸)، بحران: نقد اقتصاد سیاسی سرمایه داری نئولیبرال، انتشارات نگاه.
- ۱۲- جعفری صمیمی(۱۳۸۴)، اقتصاد بخش عمومی، چاپ دهم، انتشارات سمت.
- ۱۳- رنانی محسن(۱۳۹۱)، اقتصاد ایران در تکینگی، سایت فرارو، ۱۶ اسفند ۱۳۹۱.
- ۱۴- هاروی دیوید(۱۳۸۷)، شهری شدن سرمایه: چرخه دوم انباشت سرمایه در تولید محیط مصنوع، ترجمه عارف اقوامی مقدم، چاپ اول، نشر اختران، تهران.
- ۱۵- هاروی دیوید، اندی مری فیلد(۱۳۹۱)، حق به شهر؛ ریشه‌های شهری بحران های مالی، ترجمه خسرو کلانتری، انتشارات مهریستا.
- ۱۶- هاروی دیوید(۱۳۹۰)، رمز و راز سرمایه و بحران کنونی، ترجمه پرویز صداقت در مجموعه از سقوط مالی تا رکود اقتصادی؛ ریشه‌های بحران بزرگ مالی، نشر پژواک.
- ۱۷- هاروی دیوید(۱۳۸۹)، ماریپچ سرمایه، گفت و گوی دیویدهاروی و جوانانی اریگی، ترجمه پرویز صداقت، نشر آزاد مهر.
- 18- Alonso W.(1975), Location Theory, Cambridge, MIT
- 19- Alonso, W, (1971), Economics of Urban Size, papers of the regional science association, Vol.26, pp: 67-83
- 20- Andrews R.( 2008), Civic Engagement, Ethnic Heterogeneity and social capital in urban areas: evidence from England, urban affairs review, Vol.44, No.3,pp: 428- 440
- 21- Land B., (1976).
- 22- Bhuiyan S.H.(2010), A crisis in governance: urban solid waste management in Bangladesh, Habitat international, No.34,pp:125- 133.
- 23-Buizer M. and Herzel A.V.(2010),Combining deliberative governance theory and discourse analysis to understand the deliberative incompleteness of centrally formulated plans, Forest policy and economic, No.xxx,pp: 1-9
- 24- Bulkery H.(2005), Reconfiguring environmental governance: towards a politics of scales and networks, Political geography, No.24,pp:875- 902.
- 25- Daneshpour, Z., (2006), Improving Urban Problem- Solving Approaches, the Case of Tehran , Life in the Urban Landscape, International Conference for Integrating Urban Knowledge & Practice: Sweden
- 26- Habermas J. (1987), The theory of communicative action; life world and system: a critique of functionalist reason, trans by: Tomas McCarty, Boston: Beacon Press
- 27- Harding R. (2006), ecologically sustainable development: origins, implementation and challenges, Desalination, No.187, pp: 229- 239

#### پی‌نوشت

۱- زنجیره‌ای از مبادلات دارایی که هر یک به طور متوالی با قیمتی بالاتر مرتبط است که در آن هر خریدی به آرامی با این انتظار تعدیل می‌شود که قیمت حتی در آینده نیز بالاتر خواهد رفت (فارمر، ۱۳۹۱: ۱۷۹) به عبارت ساده‌تر رشد شدید قیمت یک دارایی بیش از ارزش واقعی آن، به معنای تشکیل حباب است (Bello, 2008).

#### 2- Singularity

۳- دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰

#### 4- Growth Pole

#### 5- Mosley

#### 6- The long Twentieth Century: Money, Power and the Origins of our Times.

#### 7- ICT

۸- Jean Baptiste Say(1767-1833) اقتصاددان فرانسوی و نویسنده رساله در اقتصاد سیاسی(۱۸۰۳) و نامه‌هایی به مالتوس(۱۸۲۰). سی همانند آدام اسمیت بر این عقیده بود که بازار نظامی خود- تعادل بخش است. تأکید سی بر این است عرضه، تقاضای خود را بوجود می‌آورد بنابراین کالاها نمی‌توانند به فروش نروند، زیرا درآمدی که برای خریدن آنها مورد نیاز است به شکل دستمزدها و سودها، در جریان تولید آنها بوجود می‌آید (کالینیکوس، ۱۳۸۵)